



آن شکل می‌گیرد و این عدم حمایت باعث از بین رفتن سینمای اجتماعی می‌شود.

آیا سینماگران توانسته‌اند این مسئله را آسیب شناسی کنند؟

رفتارهای اجتماعی مردم ایران بسیار پیچیده است وقتی شما به ژاپن می‌روید سلیقه بصری و علاقه‌مندی‌های مشخص آنها را به وضوح می‌بینید اما در مردم ایران در هر برهه از زمان تغییر سلیقه و ذائقه ایجاد می‌شود چه در موسیقی و چه در سینما و... و ناگهان بدون دلیل مشخصی یک نوع تفکر و یک نوع نگاه را پس می‌زنند. شاید ریشه آن در یکسری بزنگاه‌های اجتماعی باشد عده‌ای می‌گویند این به کوچک شدن بسته اقتصادی مردم مربوط است که من این مسئله را قبول ندارم چون اگر اینگونه بود فروش فیلم‌های کم‌دی هم پایین می‌آمد.

ملیسا ذاکری:

رسیدن به پیچیدگی‌های شخصیت صبا دشوار بود لطفاً برای مخاطبان در مورد چگونگی ورودتان به دنیای هنر و سینما بگویید.

من از هنرستان سوره کار در تئاتر را شروع کردم و یک دوره آموزشی هم در موسسه کارنامه گذراندم. فیلم مردی که اسب شد کار آقای ثقفی، کوچه بی‌نام مادری، آباجان، سال‌های دور از خانه و در نهایت ستاره بازی فیلم‌هایی هستند که انتخاب کردم به این دلیل که نقش‌های این آثار برایم جذاب بودند. فیلم‌هایی هم پیشنهاد شد که ترجیح دادم کار نکنم همانطور که گفتم برای من جذاب بودن یک نقش اهمیت بیشتری دارد و اینکه آن نقش بتواند مرا به چالش بکشد برایم در اولویت است.

کمی در مورد کاراکتر صبا برای مخاطبان بگویید.

شخصیت صبا به پیچیدگی‌هایی دارد که صحبت کردن در موردش شاید آنرا سطحی کند. صبا به دلیل وجود شخصیت، مرزی درونگرا و برونگرا را توأم دارد و همین خصوصیت دلیل اصلی تضادها و آشفتگی‌های ذهنی‌اش است که در روزمره‌اش هم تاثیر می‌گذارد. صبا دوران کودکی پر تنش داشته و پدرش تنها کسی است که همیشه در کنارش بوده است. مشکل صبا از دید خودش این بود که هیچکس او را درک نمی‌کرد و دلیل تنهایی‌های مداومش این نوع درکی بود که از خودش داشت.

فرایند رسیدن به نقش صبا برای شما چگونه بود؟

از نظر من بازیگری یعنی هنر قانع کردن و قانع کردن در چنین نقش‌هایی سخت و دشوار است. آقای علیمردانی از کاراکتر اصلی (صبا) چند وویس و فیلم کوتاه داشتند که تا حدودی تماشای آن فیلم‌ها و شنیدن اون وویس‌ها باعث شد من بیشتر با شخصیت صبا آشنا بشوم. هرچند دنیای صبا از من خیلی دور و غریبه بود، اما با تحقیقاتی که انجام دادم و آگاهی که نسبت به شرایط یک فرد در چنین موقعیتی بدست آوردم توانستم خودم را به شخصیت صبا نزدیک کنم. مخاطبان با تماشای این فیلم به پیچیدگی‌های شخصیت صبا پی می‌برند و رسیدن به این پیچیدگی‌ها کار سخت و دشواری بود.

تاثیر روانی چنین کاراکتر پیچیده‌ای روی خودتان چه بود؟
قطعاً چنین نقش پیچیده‌ای با آن بعد روانی بعد از اجرا در من تاثیراتی داشته و در مواجهه با ناملایمات‌هایی که بعداً در زندگی شخصی خودم اتفاق می‌افتاد، ناخودآگاه یک فلاش بکی به نقش صبا می‌خورد و اتفاقاتی که در واقع به واسطه خواندن فیلمنامه و حس‌های صبا گرفته بودم و آنرا زندگی کرده بودم برایم زنده می‌شد.

تجربه همکاری با مایکل مدسن چگونه بود؟

در خصوص همکاری در کنار مایکل مدسن خوب بیشتر ایشان پارتنر آقای فرهاد اصلانی بودند. حضور ایشان در این فیلم برای من جذاب بود ولی بیشتر کلیات فیلم و خروجی فیلم و تجربه‌ای که بدست می‌آورم برایم اهمیت دارد.

باز خورد مخاطبان را نسبت به نقش صبا چگونه دیدید؟

باز خورد مخاطبان خیلی خوب بود، من چندین بار فیلم را در کنار مردم تماشا کردم و از آنجایی که ساختار فیلم تراژیک است با توجه به اوضاع و احوال اجتماعی فعلی شاید این هم‌زاد پنداری مردم با صبا بیشتر هم بوده باشد و فیدبک‌هایی که در آخر از مردم می‌گیرم برایم خیلی جذاب است، همینطور زمانی که برای بازی در فیلم ستاره بازی کاندید بهترین بازیگر نقش اول زن شدم نظر منتقدان برایم بسیار جذاب بود چون فکرش را نمی‌کردم که چنین فیدبک‌هایی در زمان اکران در جشنواره فجر از طرف منتقدان دریافت کنم.

شدن به آمریکا دیدم که انگار اروپا و جاهای دیگری که در آن فیلم می‌ساختیم مانند یک ده بودند» و واقعا فضا و جهان فیلمسازی در آمریکا و سینمای هالیوود متفاوت است و این در تمام زندگی‌ام رویای من بود که بتوانم یک پروداکشن واقعی را تجربه کنم. ما در سینمای ایران خیلی هیئتی کار می‌کنیم ولی اینکه این فرصت برای من ایجاد شد که سختی‌ها و مشکلات و دغدغه‌های یک فیلمساز را خارج از ایران تجربه کنم مدیون حمایت‌ها و پشتیبانی‌های علی سرتیپی است که بدون هیچ چشمداشتی این شرایط را فراهم کرد. فیلم ستاره بازی بیش از آن که خوب یا بد باشد یک پروداکشن حرفه‌ای است دو برهه از زمان در آمریکا و کانادا فیلمبرداری شده و فیلم هم آپارتمانی نیست و اکثر فیلمبرداری‌ها در مرکز شهرهای مثل مونترآل فیلمبرداری شده است. مثلاً صحنه‌ای مربوط به سال ۲۰۰۸ را باید فیلمبرداری می‌کردیم و اگر فقط یک ماشین متعلق به ۲۰۱۸ آنجا بود همه چیز به هم می‌خورد و رقم خوردن چنین سطح کیفی در تهیه این اثر بخاطر وجود علی سرتیپی بود و مورد دیگری که بسیار جای تشکر دارد طراحی صحنه فوق العاده مجید میرفخرایی است.

در مورد اکران فیلم در آمریکا و کانادا بگویید.

شرکت shak sinema که مدیریتهش را یک ایرانی آمریکایی به نام رضا شکوری بر عهده دارد این فیلم را از ۱۵ اکتبر در آمریکا و کانادا اکران خواهد کرد و وارد باکس آفیس خواهد شد و امیدوارم با اینکه در واقع این فیلم در سینمای مستقل آمریکا ساخته شده بتواند برای خود فضا و جایی بیابد و تا جایی که ممکن است فروش کند.

در حال حاضر فیلم ستاره بازی پر فروش‌ترین فیلم اجتماعی در حال اکران است و یک مسئله مهمی که وجود دارد این است که مردم به دلیلی که من نمیدانم از سینمای اجتماعی که قلب سینمای ایران است حمایت نمی‌کنند. سینمایی که تمام نقدها و چالش‌ها توسط

تصحیح رنگ فوق العاده نیما دبیرزاده یکی از ویژگی‌های درجه یک این فیلم است و دیگری تدوین امیر ادیب پرور عزیز است که بسیار موفق عمل کرده است.

اگر هاتف علیمردانی می‌توانست فیلمسازی در دوره دیگری از سینمای ایران را تجربه کند چه دوره‌ای را انتخاب می‌کرد؟

من همین دوره را دوباره انتخاب می‌کنم چرا که سینمای قبل انقلاب را نمی‌پسندم و کلاً جز چند فیلم انگشت شمار فیلم خوب با ارزشی تولید نشده و فکر می‌کنم سینمای ما کاملاً قدم به قدم رشد و مدام پوست اندازی کرده است. مثلاً در دهه هفتاد با عباس کیارستمی و در دهه هشتاد با اصغر فرهادی اما با تمام جوانهای خوش فکر و با استعدادی که بعد از آن آمده‌اند آن پوست اندازی سوم هنوز رخ نداده آنچه من آنرا رنسانسی در سینمای ایران می‌دانم و خبر بسیار مهمی که می‌توانم بدهم، در چند سال آینده نسلی از فیلمسازان وارد عرصه سینمایی کشور خواهند شد که اولاً صد در صد سینمای کشور را تحت تاثیر قرار خواهند داد و دوماً اینکه ما را وارد دوره جدیدی از سینمای ایران خواهند کرد.

در مورد بحث تهیه‌کنندگی فیلم ستاره سازی برای ما بگویید.

به جرات می‌توانم بگویم که علی سرتیپی در این سال‌ها چندین بار سینمای ایران را از خطر ورشکستگی کامل نجات داده است یکی از تهیه‌کنندگان و شرکت‌های پخش بزرگ سینماست که همیشه در هر اثر بزرگی که در سینمای ایران ساخته شده نقش داشته است. شاید واقعا خیلی سخت باشد که دوباره با بودجه سینمای در آمریکا فیلم ساخت، خود علی سرتیپی برای من مثال می‌زد که وقتی آقای کیارستمی برای ساخت فیلمی به آمریکا رفت گفت «بعد از وارد